



شاید اصلی‌ترین دلیل شکست‌های پیاپی در سینما را باید عدم علاقه مرحوم به حوزه سینمای عامه‌پسند دانست. برای مثال او در سال ۱۳۷۲ نخستین فیلم و تنها فیلم سینمایی ایران را درباره فراماسونری با عنوان «لژیون» ساخت؛ اثری که البته به واسطه عدم آشنایی جامعه آن روز با مساله فراماسونری آنچنان که باید و شاید دیده نشد.



بدشانشی در سینما؛ غوغا در تلویزیون

معاصر معرفی کند. کیف انگلیسی اولین سریال او در ارتباط با تاریخ معاصر ایران بود که اتفاقاً با استقبال بالایی نیز روبه‌رو شد. الگوی این سریال در زمینه تلفیق عشق و سیاست بعدها در آثار دیگری در سینما و تلویزیون ایران نیز مورد استفاده قرار گرفت.

کلاه پهلوی دومین سریال او درباره تاریخ معاصر ایران بود که البته حاشیه‌های بسیار زیاد پیش آمده برای آن باعث شد با وجود تلاش‌های مرحوم در، خروجی نهایی آن ضعیف‌تر از انتظار مخاطبان باشد. وضعیت حجاب بازیگران این سریال و روابط به تصویر کشیده شده برای برخی از شخصیت‌ها باعث اعتراض برخی از چهره‌های سرشناس فرهنگی و سیاسی شد و در نهایت شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما با تذکری جدی به سازندگان این سریال، نمایش صریح و مستقیم برخی روابط غیراخلاقی در کلاه پهلوی را نوعی ترویج این روابط و عادی جلوه دادن آن برای مخاطبان و در نهایت قبح‌شکنی معرفی کرد.

به نظر می‌رسید طولانی شدن فرآیند ساخت این سریال و توقف چندباره ایجاد شده در مسیر ساخت آن باعث شده بود تا دقت عوامل سازنده از جمله طراحان صحنه و لباس روی برخی از جزئیات مهم در این زمینه کاسته شود؛ موضوعی که باعث انتقادات بسیاری در فضای رسانه‌ای و هنری کشور به این سریال و برخی از گاف‌های نمایشی آن شد. هر چند که در این مورد معتقد بود برای نمایش عمق بی‌بندوباری شخصیت‌های منفی این اثر آن هم در برهه تاریخی به تصویر کشیده شده در سریال راهی جز این وجود نداشته اما بنابر گفته خود برای پخش کلاه پهلوی بیش از ۴۵ ممیز روی این سریال کار کردند که در نهایت به حذف ۲۰۰ دقیقه از آن منجر شد.

سیدضیاءالدین دری با آن که تلاش‌های بسیاری برای فعالیت در عرصه سینما کرد، اما هیچ‌وقت نتوانست خود را به عنوان یک فیلمساز موفق در عرصه سینما نشان دهد و دوره فعالیت او در سینما عموماً با ناکامی و عدم موفقیت همراه بود. «صاعقه»، «دیدار در غبار»، «باد و شقایق»، «سینما سینماست» و «لژیون» از جمله فیلم‌هایی بودند که او در کارنامه فعالیت‌های سینمایی خود به ثبت رساند؛ آثاری که موفقیت چندانی در گیشه نداشتند. شاید اصلی‌ترین دلیل این اتفاق را باید عدم علاقه مرحوم دری به ورود به حوزه سینمای عامه‌پسند دانست. او در زمینه تولید آثار سینمایی‌اش بیشتر دغدغه‌های منحصر به فرد و خاص خود را دنبال می‌کرد. برای مثال او در سال ۱۳۷۲ نخستین فیلم و تنها فیلم سینمایی ایران را درباره فراماسونری با عنوان «لژیون» ساخت؛ اثری که البته به واسطه عدم آشنایی جامعه آن روز با مساله فراماسونری آنچنان که باید و شاید دیده نشد.

شاید اوج شکست‌های دری در سینما را باید ساخت دو فیلم «عشق ممنوع» و «من و دیورا» در دو سال متوالی در دهه ۸۰ دانست. آثاری که هیچ‌گاه فرصت اکران عمومی پیدا نکردند و به عنوان آخرین آثار ساخته شده از سوی این فیلمساز در عرصه سینما، پایانی نافرجام بر کارنامه کاری او در عرصه سینما بودند.

اما دری هر چه در سینما تجربه‌های ناموفقی را پشت سر گذاشته بود، در تلویزیون توانست خود را به عنوان یک سریال‌ساز چیره‌دست در حوزه تاریخ



کلاه پهلوی در آینده مرجع می‌شود

او همچنین در گفت‌وگویی دیگر با یکی از رسانه‌های اصلاح طلب در پاسخ به این پرسش که واکنشش در مواجهه با ممیزی‌های مختلفی که به این سریال وارد می‌شد، چه بود؛ گفت: «من سریالی ساختم حدود سه هزار دقیقه فیلم و هر قسمت آن بین ۵۵ الی ۶۰ دقیقه بود. اگر قرار باشد با حذف دو یا سه دقیقه در هر قسمت، آن سریال معنایش را به طور کلی از دست بدهد، بهتر است اساساً این سریال ساخته نشود. اما قبول می‌کنم که وقتی بیش از ۵۰ قسمت سریال در مجموع هر قسمتش دو، سه دقیقه حذف شود در کل ۲۰۰ دقیقه می‌شود که زیاد است. اما چاره‌ای نیست. نمی‌توانستم با صاحبان سریال بجنگم. چون پول دادند و در قبال آینده نظام و بیت المال احساس مسئولیت می‌کنند. اما با حذفاتی که درمورد کلاه پهلوی انجام شد، در نهایت حدود ۱۵ درصد کار آسیب دید و برای کاری نظیر کلاه پهلوی تا حدودی قابل تامل و تحمل است. چون هدفم این بود که مردم آن دوران را ببینند. می‌دانم که این فیلم در آینده به عنوان مرجع استفاده خواهد شد. یقین دارم در این فیلم چیزی به اشتباه نگفتم. اما هر کاری می‌تواند کسری‌هایی داشته باشد.»

ماجرای استقبال طلبه‌های مشهدی از کلاه پهلوی

یکی از خاطرات جالبی که مرحوم دری در ارتباط با استقبال اقبال مختلف از سریال کلاه پهلوی تعریف می‌کند؛ مربوط به استقبال طلبه‌های مشهدی از این سریال است: «همان زمان یک روحانی از مشهد به من زنگ زد و گفت ما با دیدن کلاه پهلوی احساس تکلیف و دین کردیم تا با شما تماس بگیریم. به من گفت: ما در مشهد طلبه‌هایی داشتیم که حتی تماشای سریال‌های تلویزیون جمهوری اسلامی را هم گناه می‌دانستند. گفت شما با این سریال طلبه‌ها را پای تلویزیون کشیدید، حالا هنوز سریال در حال پخش بود، گفتم چطور؟ گفت: خانم‌های آن طلبه‌ها سریال را دنبال می‌کردند و به تدریج همسرانشان را هم پای تلویزیون کشیدند. اصلاً هم مبالغه نمی‌کرد، می‌گفت ما جلسه‌ای در صحن امام رضا (ع) گذاشتیم و باهم قرار گذاشتیم تا با شما تماس بگیریم و به خاطر این سریال از شما تشکر کنیم.»

یکی از اعضای شورای صدور پروانه نمایش آثار سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود.

این فیلمساز با سابقه سینما و تلویزیون ایران در سال‌های پایان عمرش به دنبال ساخت چند اثر بود که در نهایت هیچ‌کدام محقق نشد؛ او طرح ساخت سریال حضرت زینب (س) را به تلویزیون ارائه کرده بود، اما شرایط ساخت آن فراهم نشد. پس از آن نیز سراغ نوشتن فیلمنامه سریال «سردار سنجرخان» به عنوان سومین سریال ضد استعماری و تاریخی خود رفت؛ اما بخت با او یار نبود و وخامت بیماری کبدش در اوایل سال ۹۷ باعث شد تا خالق سریال‌های ماندگاری همچون کیف انگلیسی و کلاه پهلوی روز جمعه ۲۶ مرداد ۱۳۹۷ به دلیل عوارض عفونی بعد از جراحی پیوند کبد، در بیمارستان صدرای شیراز دارفانی را وداع گوید.

اول سیما جایگزین سریال پرمخاطب «مختارنامه» شود، در نهایت نتوانست انتظارات بالایی که از آن وجود داشت را برآورده کند. همچنین ایجاد برخی از حاشیه‌ها در ارتباط با قصه این سریال و حجاب برخی از بازیگران باعث شد تا این سریال با وجود ترکیب پروپیمان بازیگرانش باز هم آنچنان که انتظار می‌رفت، دیده نشود. امین حیایی، محمدرضا شریفی‌نیا، داریوش فرهنگ، مریلا زارعی، شقایق فراهانی، قطب‌الدین صادقی، امیرعلی دانایی، بهاره کیان افشار، رضا کیانیان، گوهر خیراندیش و سیروس گرجستانی شماری از بازیگران این آثار پربازایگر بودند.

دری در کنار ساخت آثار نمایشی، حضور فعالی در شوراهای مشورتی مختلف داشت که یکی از مهم‌ترین آنها حضور او در چند دوره متوالی به عنوان

نیز در تماس با مدیریت صدا و سیما نسبت به این سریال اعتراض کرد اما با وجود این اعتراضات مخاطبان تلویزیون ارتباط بالایی با این سریال برقرار کردند تا کیف انگلیسی یکی از پرمخاطب‌ترین سریال‌های پخش شده در دوره خود باشد.

موفقیت کیف انگلیسی در اواخر دهه ۷۰ باعث شد تا انگیزه تلویزیون برای سپردن یکی دیگر از سریال‌های الف ویژه خود به ضیاءالدین دری بالاتر برود. موضوعی که باعث شد تا در دهه ۸۰ ساخت سریال تلویزیونی کلاه پهلوی را کلید بزند و در نهایت در اواسط دهه ۹۰ این سریال را روانه آنتن شبکه اول سیما کند.

اما از آنجا که کلاه پهلوی دومین ساخته ضد استعماری کارگردان کیف انگلیسی بود و از طرف دیگر نیز قرار بود در کنداکتور جمعه شب‌های شبکه

مجلس پیروز می‌شود. وی به واسطه آشنایی با مستانه با انگلیسی‌ها ارتباط می‌گیرد و از این رهگذر تغییراتی اساسی در زندگی خصوصی و تفکرات قبلی‌اش پدید می‌آید که از اساس با تفکرات قبلی او متفاوت است.

اتفاقی که باعث اعتراض برخی نمایندگان مجلس ششم نسبت به محتوای این سریال شد. مرحوم دری در گفت‌وگویی در ارتباط با دلایل مخالفت برخی از نمایندگان مجلس با این سریال گفت: «آن زمان فکر می‌کردند کیف انگلیسی برای این ساخته شده تا روشنفکران و تحصیلکرده‌گان خارج از کشور را زیر سؤال ببرد. در صورتی که نگاه من این نبود، حرف من چیز دیگری بود. من خودم تحصیلکرده خارج از کشور بودم.»

کار آن قدر بالا گرفت که سفارت انگلستان در ایران